

📄 نقل قول

شکوه قاسم‌نیا

گردن ادبیات کودک و نوجوان حق دارد

قاسمعلی فراست از نویسندگان کشور گفت: برخی انسان‌ها دارای تریبون نیستند و هر روز در فضای مجازی خودشان را عرضه نمی‌کنند، این افراد را باید کشف کنیم و از آنها بیاموزیم. شکوه قاسم‌نیا از جمله افرادی است که دارای تریبون و به دنبال دیده‌شدن نیست، زیرا روح او بزرگ است. یکی از خوش‌اقبالی‌های خانم قاسم‌نیا این است که از ابتدا کار کودک انجام داده است. امتیاز اول ایشان پرداختن به شعر کودک و نوجوان است، امتیاز دوم معلمی‌شان است، امتیاز سوم‌شان هم این است که به دنبال تریبون نبوده است. شکوه قاسم‌نیا گردن ادبیات کودک و نوجوان ما حق دارد. دنیایی که ایشان برای کودکان و نوجوانان ما متصور شد تاثر کمی نبوده و نگاه کودکان ما را عوض کرده است. همه ما باید به وجود ایشان افتخار کنیم و سرم‌مایه کشور ما منبع طبیعی‌مانیست بلکه معلمانی همچون شکوه قاسم‌نیا هستند که نسل بشریت را در یک کشور رشد می‌دهند.



همه دست رد به سینه مردم بوسنی زدند

جز ایران

رضا نمازی مترجم «خیابان لوگولنا» که راوی ایستادگی مردم بوسنی در طول جنگ با صرب‌هاست، کمک‌های ایران به این کشور را چنین تشریح کرد: کمک‌های ایران به بوسنی از ماه سوم جنگ شروع شد. درخواست کمک‌ها هم از سوی بوسنی آمد. بوسنیایی‌ها چون کشورشان اروپایی بود، ابتدا سراغ کشورهای اروپایی رفتند، اما کمکی فرستاده نشد. بعد سراغ امریکایی‌ها رفتند و خواستند برای خاتمه جنگ کمک کنند، اما باز هم اتفاقی نیفتاد. بعد سراغ کشورهای اسلامی مثل ترکیه، عربستان، پاکستان و مالزی رفتند که آنها هم هیچ کمکی نکردند. شرایط هم مدام سخت‌تر می‌شد، چون یک‌دهم مردم این کشور در جنگ کشته شده بودند. همین‌ان جنگ غزه را در نظر بگیرید، با توجه به حملات گسترده اسرائیل، هنوز یک‌دهم جمعیت غزه به شهادت نرسیده‌اند اما در جنگ بوسنی طی کوتاه‌ترین زمان، یک‌دهم مردم کشته شدند، بدون اینکه صدایی از جایی بلند شود. با توجه به این شرایط بود که ایران تصمیم گرفت به بوسنی کمک کند که این کمک تا آخر جنگ هم ادامه داشت. عمده‌ترین کمک‌ها هم شامل مواد غذایی، دارو و سلاح بود.

چرا برای مخاطبان میلیونی مدارس تئاتر اجرا نمی‌شود؟

رضا بابک با انتقاد از کم توجهی به تئاتر کودک و نوجوان گفت: ما این تجربه را داشتیم که تئاتر را در بیمارستان، مدارس و نقاط مختلف و حتی برای نابینایان اجرا کنیم. اوایل انقلاب اسلامی از واحد نمایش مأور شدم و نزد وزیر وقت آموزش و پرورش رفتم و صحبت کردم که اجازه دهند تئاتر وارد مدارس شود، ما هم آثار خوبی طراحی می‌کنیم که مناسب بچه‌ها باشد. بارها گفت‌ام که هر کدام از مدرسه‌ها فضایی را برای تولید و اجرای تئاتر دارند، چنددهمیلیون مخاطب در مدرسه‌ها وجود دارد اما برای این مخاطبان تئاتر تولید و اجرا نمی‌شود. ما با درشیر کشاورزی طرح آموزش دروس مختلف از طریق تئاتر را ارائه دادیم. متأسفانه هیچ وقت وزارت آموزش و پرورش به تئاتر نگاه جدی و تخصصی نداشته و به همین دلیل اتفاق قابل توجهی در زمینه تئاتر در مدارس رخ نداده است، آن وقت گلابی می‌کنیم که چرا زبان

کودکان و نوجوانان تغییر کرده است و زبان فارسی، ادبیات فارسی و شعرای فارسی‌ما را نمی‌شناسند. ایران کشور هنر، ادبیات و شعر است ولی صد حیف که به کودکان و نوجوانان ما بهاده نمی‌شود تا فرهنگ‌سازی لازم برای آنها انجام شود.

نویسنده خوب باید زیاد بخواند

علی اصغر عزتی باک، نویسنده و داستان‌نویس نظرش درباره نویسنده‌گی را اینگونه بیان کرد: نویسنده خوب کسی است که بیشتر از آنکه بنویسد، بخواند. زمانی که یک نویسنده خوب، ابتدا یک خواننده خوب است؛ کسی که در هر حوزه‌ای فرقی ندارد: تاریخ، دین، سیاست و

مسائل انسان، عمده آثار برجسته را مطالعه کرده باشد تا از این راه به معارف بشری روزگار خود آگاه باشد. اینجا جایی است که نویسنده باید در آن خانه و سپس حرکت کند. قاعده این است نامزمانی که این زنجیره از دانش و معارف را شناسید، طبیعتاً می‌توانید حلقه‌ای از این زنجیره باشید. من فکر می‌کنم بنا بر مسیر نویسندگی، این میزان در هر دوره متفاوت است. مثلاً در دوران ابتدایی که به نوعی آموزش به حساب می‌آید، ممکن است بیشتر یا در دوره‌ای که نیاز پیدا می‌کنید به عنوان یک نویسنده در حوزه‌ای اطلاعات بیشتری کسب کنید، حتی شاید بیشتر از دوره ابتدایی باید بخوانیم، اما قطع به یقین نویسنده زمانی را که به خواندن اختصاص می‌دهیم، بیشتر از نوشتن است و نویسنده‌ای که کمتر بخواند، رگ حیاتش خشک خواهد شد.

چند نکته درباره فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» که کمتر به چشم آمده است

خوشی‌های گذران آدم‌های تنها



فیلم درباره لحظاتی مهم و طلایی در زندگی صحبت می‌کند که می‌تواند دنیای هر کسی را زیر و رو کند. یک لحظه و یک اتفاق می‌تواند بحران و حادثه‌ای بزرگ خلق کند که هیچ راهی برای خلاصی از آن پیدا نمی‌شود. یک لحظه تفریح و عیاشی ممکن است آدمی را به سمت مرگ بکشاند یا یک لحظه بخشش بتواند زندگی را به کسی ببخشد

■ احمد محمدتبریزی

سروش صحت را باید کارگردانی مؤلف در ترکیب کردن تخیل و واقعیت بدانیم. او به شکلی ماهرانه فانتزی را وارد دنیای واقعی می‌کند و با در هم آمیختن آنها، اجازه می‌دهد تماشاگرش از خلق این دنیای خیالی لذت ببرد. در سینمای ایران که همواره از کمبود تخیل و خیال رنج برده، رفتن به فضای فانتزی اتفاق خوشایندی است. سینمایی که مدام بین سوژه‌های رئالیستی اجتماعی پرسه می‌زند، به خیال و خلاقیت در گفتن داستان‌های متفاوت بسیار نیاز دارد؛ کاری که کارگردانی مثل صحت به خوبی آن را بلد است و با فیلم‌هایش تنوع را به سینما می‌آورد.

صحت در دومین فیلم سینمایی‌اش، همچون کارهای قبلی‌اش، همچنان روی لبه باریک خیال و واقعیت حرکت کرده و فضایی متفاوت از سایر فیلم‌ها را پیش چشم مخاطبش گذاشته است. این نکته مثبت فیلمسازی صحت است. او در فیلم‌هایش از تقلید و پیروی کردن از دیگران دوری می‌کند و به دنبال ساختن جهان منحصر به‌فرد خودش است. در روزگاری که کمدی‌سازی در سینمای ایران با لودگی و اجرا نمی‌شود، ما با درشیر کشاورزی صحت توانسته است تا حدودی از این فضا فاصله بگیرد و یک فیلم کمدی استاندارد

سینمای ایران در سال ۱۴۰۰، تنها ۷ میلیون تماشاگر داشت و تگرانی‌های زیادی را در دل سینماداران انداخته بود. این رقم در سال ۱۴۰۱، افزایشی دو برابری داشت و به رقمی نزدیک به ۱۴ میلیون رسید. هنوز نشانه‌هایی از بیرون آمدن از رکود به وجود نیامده بود و آمار و ارقام هنوز با شرایط مدنظر فاصله داشت. بیشتر پیش‌بینی‌ها برای سال ۱۴۰۲، افزایشی آرام و آهسته بود و برخی کارشناسان می‌گفتند اگر سینما به رقم ۲۰ میلیون مغالط برسد، اتفاق خوبی برای این صنعت افتاده است، اما در سال ۱۴۰۲، گفتنی بزرگ در سینما رقم خورد و ۲۸ میلیون مخاطب با به سالن‌های سینما گذاشتند تا خونی تازه به سینمای ایران تزریق شود. این اتفاق مهم و خوبی بود که سینماها را از ورشکستگی نجات داد و موجب افزایش ضریب اشتغال در آن شد. حالا با گذشت نیمی از سال ۱۴۰۳، همچنان می‌توان به آینده

📄 سینما

سینمای ایران در سال‌های اخیر، فراز و فرودهای زیادی را در زمینه جذب مخاطب تجربه کرده است. پس از تجربه تلخ همه‌گیری ویروس کرونا و بسته‌شدن سالن‌های سینما، روزهای بد دور افتادن مخاطبان از سینما از راه رسید و چشم‌انداز روشنی برای این صنعت مهم وجود نداشت. سینمای ایران تا پیش از کرونا، به شکلی آهسته به دنبال افزودن تعداد مخاطبانش بود. سال ۱۳۹۷ و دست یافتن سینمای ایران به آمار ۲۸ میلیون مخاطب، بارقه‌هایی از امید را در دل فعالان هنر هفتم ایجاد کرد ولی از راه رسیدن و پیروس کووید ۱۹ تمام معادلات را به هم ریخت. پس از واکنسیاسیون سراسری و باز شدن نسبی سینماها، کمتر کسی امید داشت سینمای ایران با این سرعت سرپا شود و بتواند مخاطبانش را پیدا کند.

با پایان یافتن جشنواره تئاتر کودک و نوجوان در همدان، بار دیگر نگاه علاقه‌مندان به سالن‌های اصلی و تماشاخانه‌های اصلی پایتخت دوخته شده است. خوشبختانه این روزها آثار خوبی روی صحنه رفته و تا چند روز دیگر با اجرای چند نمایش دیگر، دست مخاطبان برای انتخاب و تماشای نمایش‌ها باز است. از نمایش‌های خوبی که به تازگی روی صحنه رفته است باید به «مالی‌سویینی» اشاره کرد.

مرتضی میرمنظمی قبلاً این نمایش را در تئاتر شهر اجرا کرد و واکنش‌های مثبتی هم از سوی مخاطبان گرفت. او

این بار «مالی‌سویینی» را در تالار وحدت روی صحنه برده و فرصت خوبی برای کسانی که این نمایش را ندیده‌اند، فراهم کرد است.

ایرج طهماسب نیز از چند روز پیش نمایش «استان لطیف»

صورت کشته‌شدن عنکبوت، همه چیز سر جای خودش قرار داشت. رضا به عنوان داماد به سالن عروسی برمی‌گردد و هیچ کدام از اتفاقات شوم بعدی رخ نمی‌دهد.

به نوعی می‌توان این برداشت را از این صحنه داشت که آدم‌ها تا وقتی نسبت به جانداران دیگر بخشایش و مهربانی نداشته باشند در مقابل همدیگر نیز آدم‌هایی باگذشت نخواهند بود. در طول فیلم شخصیت‌ها چندین بار در موقعیت بخشش قرار می‌گیرند و هر بار چشم‌شان را به روی این موضوع می‌بندند تا در نهایت جاعه رخ دهد. خواندن این شعر رودکی «گفتا که: که را کشتی تا کشته شدی زار؟/ اما تا باز که او را بکشد؟ آن که تو را کشت» توسط شاهین با بازی بیژن نبفشه‌خواه در همان آغاز به تماشاگر این هشدار را می‌دهد که مجتبی سزای کشتن عنکبوت را خواهد دید.

■ ناپایداری موقعیت‌های زندگی

فیلم با مجلس عروسی، جشن و خوشحالی شروع می‌شود ولی با بیمارستان، مرگ و ناراحتی پایان می‌پذیرد. تا به حال در سینمای ایران درباره نزدیکی و همسایگی و شادی فیلم‌هایی ساخته شده است که «مسافران» و «به حبه حبه» معروف‌ترین نمونه‌های آن هستند؛ فیلم‌هایی که به مخاطب گوشزد می‌کنند، لحظات زندگی گذراست از چیزی هستند که در تصور داریم و زودتر از چیزی که فکرش را می‌کنیم ناراحتی و غم، جای خوشی و شسادی را می‌گیرد.

«صبحانه با زرافه‌ها» را باید در زمره فیلم‌هایی قرار داد که از ناپایداری موقعیت‌های زندگی‌گی صحبت می‌کنند. تمام سر خوشی‌ها و شادی‌های طول فیلم، در انتها به مرگ مجتبی دود می‌شود و به هوای می‌رود. مثلاً اگر در «جهان با من برقص» این مرگ بود که دوستان جهان را گرد هم جمع کرده بود در «صبحانه با زرافه‌ها» ما با موضوع گذشت، بخشش و بخشیدن طرف هستیم. بخشش از همان ابتدای فیلم به عنوان یک موتیف تکرار شونده خودش را نشان می‌دهد. بخشش در فیلم نخست به بخشیدن انسان در مقابل دیگر جانداران مربوط می‌شود و در ادامه به بخشیدن آدم‌ها در مقابل همدیگر می‌رسد. وقتی مجتبی با بازی بهرام رادان در همان ابتدای فیلم، عنکبوتی را بدون دلیل زیر پا له می‌کند و می‌کشد، اثر پروانه‌ای این اتفاق خیلی زود خودش را نشان می‌دهد. اتفاقات بد پشت سر هم می‌افتند و فرصتی برای بخشیدن فراهم نمی‌کنند.

■ سزای کشتن عنکبوت

شاید اگر مجتبی در برخورد با عنکبوت عذوفت بیشتری به خرج می‌داد، هیچ وقت اتفاقات بعدی به شکلی دومینووار نمی‌افتاد. این موضوع را فیلمساز در پایان به شکل تعمدی در فیلم آورده بود. صحت، وقتی به اول فیلم فلش‌بک می‌زند تا داستان را طور دیگری روایت کند، نشان می‌دهد در

صنعت سینما در ایران امیدوار بود. تا هفته اول آبان ماه، سینمای ایران از رکود ۲۰ میلیون مخاطب عبور کرده است که نشانه‌های بسیار خوبی به شمار می‌رود. این یعنی فروش فیلم‌ها و جذب مخاطب همچنان افزایشی است و رسیدن به آمار ۳۰ میلیون مخاطب خیلی دور از دسترس به نظر نمی‌رسد. اگران «ودیز» و «صبحانه با زرافه‌ها» مخاطبان زیادی را جذب سینما کرده و اگر همچنان فیلم‌های مخاطب‌پسند اکران شوند، شاید بتوان رکورد ۲۴ ساله سینما در جذب مخاطب را شکست. این رکورد به سال ۱۳۹۷ برمی‌گردد که در آن ۳۳ میلیون نفر به سینما رفتند و خیلی‌ها امیدوارند امسال این رکورد شکسته شود. اگر مدیریت سینمایی به دنبال افزایش مخاطب است، باید در سبد اکران توجه ویژه‌ای به فیلم‌های مخاطب‌پسند کند. شاید ادامه این روند، زودتر از پیش‌بینی‌ها امکان رکورد شکنی را فراهم کند.

روزهای خوب تئاتر با اجرای چند نمایش دیدنی

کرده است؛ نمایشی که زنجاپور خودش در آن بازی می‌کند و می‌تواند به یکی از اتفاقات خوب تئاتر کشور در سال جاری تبدیل شود. همچنین سیمناپرتاندا در سالن دیگر ایرانشهر از ۱۲۰ تان نمایش «جیمی‌جامپ» را کارگردانی می‌کند؛ نمایشی که داستانی درباره فوتبال و حضور بانوان در ورزشگاه‌ها دارد و با توجه به ترکیب بازیگران احتمالاً با استقبال خوبی از سوی تماشاگران روبه‌رو شود. اما خبر خوش و مهم دیگر به اجرای اپرای عروسکی «مولانا» از پنج سال برمی‌گردد. بهروز غریب‌پور تصمیم گرفته است این اپرای عروسکی را بار دیگر در تالار فردوسی روی صحنه ببرد. نکته جذاب دیگر درباره آن ترکیب آهنگساز و آواگرانش است. آهنگساز این اپرا بهزاد عبدی و آواگرانش همایون شجریان در نقش شمس و محمد متعددی در نقش مولانا هستند.

را در تئاتر شهر روی صحنه برده و اجرای آن باعث کنجکاو مخاطبان شده است.

اکبر زنجاپور نیز به عنوان یکی از پیشکسوتان عرصه نمایش از ۱۴ آبان نمایش «آکینگ» را در تماشاخانه ایرانشهر اجرا



«ایستگاه خیابان روزولت»

و توجه به اهمیت تاریخ‌نگاری

متأسفانه ما در پرداختن مکتوب به تاریخ ضعف‌های زیادی داریم. هر چقدر ما در تاریخ شفاهی مردمی خوش صحبت و پر خاطره هستیم، در تاریخ مکتوب ضعیف عمل کرده و نتوانسته‌ایم واقعیت‌های تاریخی را به شکل کتاب ضبط و ثبت کنیم. ضعف ما در حوزه تاریخ‌نگاری سبب شده است بسیاری از کتاب‌های مطرح تاریخی در بازار نشر را نویسندگان خارجی بنویسند. تعادل در این حوزه سبب شد رهبر معظم انقلاب در تقریظ‌شان بر این کتاب، به ضعف‌های مان در تاریخ‌نگاری و روایت اشاره کنند و چنین بنویسند: «ما به جنگ روایت‌ها در پیکارهای جهانی توجه لازم را نکردیم و دشمنان و بدخواهان ما از غفلت ما بهره برده و بسیاری از حوادث را وارونه نشان داده‌اند.»

حال در چنین شرایطی کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» به دنبال پر کردن بخشی از این خلأهای روایتی و تاریخی است و ماجراش را به یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ معاصر ایران اختصاص داده است. این کتاب با استفاده از اسناد دست اول به اسناد از دانشمرا عمدتاً امریکا در تهران می‌پردازد و با ذکر جزئیات دقیقی از واقعه، از کلی‌گویی دوری می‌کند. پرداختن به اسناد دست اول سفارت امریکا و توجه به جزئیات، نکات بسیار مهمی هستند که ارزش کتاب را بهتر مشخص می‌کنند. یکی از ویژگی‌های کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» استفاده از اسناد و مدارک اطلاعاتی امریکاست که تاکنون در دسترس عموم قرار نداشته‌اند. محمد محبوبی، نویسنده کتاب با آگاهی درست از ضعف‌های موجود در زمینه تاریخ‌نگاری و به ویژه در زمینه تسخیر سفارت امریکا توضیح می‌دهد که «بیش از ۹۵ درصد این منابع، امریکایی‌اند و ما در تولید منابع دست اول بسیار ضعیف‌تریم. برای مثال، از ۶۶ گروگان، بیش از ۳۰ نفر کتاب خاطرات خود را از زمان آزادی (سال ۱۳۵۹ به بعد) منتشر کرده‌اند، اما حدود ۲۵۰ تا ۴۰۰ دانشجوی پیرو خط امام که طرف دیگر واقعه بودند، تاکنون بیش از سه کتاب خاطرات منتشر نشده است. این موضوع نشان‌دهنده عدم توازن و معادله‌ناپرابری در تولید منابع است. درمورد اسناد آزادشده نیز امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و کشورهای غربی معمولاً اسناد خود را در زمان‌های مختلف آزاد می‌کنند، در حالی‌که در ایران این وضعیت وجود ندارد و اسناد آزادشده‌ها عمدتاً شامل اسناد امریکایی (مانند اسناد لانه‌جاسوسی) است که در چندین جلد منتشر شده‌اند.»

تقریظ رهبر معظم انقلاب بر «ایستگاه خیابان روزولت» و توجه رسانه‌ها به این کتاب از اهمیت زیادی برخوردار است. با پرداختن به چنین کتاب‌هایی، اهمیت تاریخ‌نگاری و تاریخ‌پژوهی به شکل دقیق و درست بیش از پیش احساس می‌شود. کشورهای غربی در زمینه پژوهش تاریخی و مکتوب کردن خاطرات و اتفاقات بسیار از ما جلوتر هستند و همین باعث می‌شود در روایت دست بر تر را داشته باشند. نگارش «ایستگاه خیابان روزولت» و توجهی که به آن شد، اهمیت نوشتن چنین کتاب‌هایی را نشان می‌دهد. این تجربه موفق در مورد وقایع تاریخی باید مورد استفاده قرار بگیرد و خلأهای موجود در زمینه روایت‌های تاریخی را پوشش دهد. تاریخ ایران همچنان رازهای سربه مهر و مطالب گفته نشده زیادی دارد که هیچ کسی بهتر از خودمان قادر به بازگو کردنش نیست.

📄 سینمای جهان



سریال «بازی مرکب» و ریسک ساختن فصل‌های دوم و سوم

وقتی دنباله‌سازی در فیلم و سریال جواب نمی‌دهد

در میان منتقدان هالیوود جمله معروفی با این مضمون وجود دارد که تهیه‌کنندگان پس از موفقیت یک فیلم با سریال، برای کسب سود بیشتر آقدر از آن دنباله و فصل می‌سازند تا اثر به طور کامل تماشاگرانش را از دست می‌دهد. تأیید این جمله بارها در هالیوود اتفاق افتاده است و تهیه‌کنندگان بدون درس عبرت گرفتن از گذشته همچنان دنبال فروش و سود بیشتر هستند. برای پیدا کردن مثال نیازی به فکر کردن زیاد نیست. فیلم سینمایی «جوکر ۲، جنون مشترک» تا زتر این نمونه برای این مدعاست. پس از موفقیت قسمت اول فیلم سینمایی جوکر، قسمت جدید این فیلم، نمره پایینی از مخاطبان دریافت کرد و نتوانست انتظارات را برآورده کند. این فیلم در گیشه هم از قسمت اولش عقب‌تر نشست. دنباله فیلم «جوکر» در حالی به فروش پیش‌افتتاحیه ۷ میلیون دلاری در امریکا رسید که قسمت اصلی این فیلم در شرایطی مشابه تقریباً دو برابر فروخته بود. دویید رونی، منتقد ارشد فیلم هالیوود، بیورتر، در انتقاد از قسمت دوم فیلم چنین نوشت: «برای فیلمی که دو ساعت و ربع طول می‌کشد، دنباله جوکر از نظر روایی کمی لاغر و گاهی کسل‌کننده است.»

نمونه دیگری از شکست در دنباله‌سازی به فیلم «پلنفرم» برمی‌گردد. پس از استقبال زیاد و تعریف و تحسین‌های منتقدان و مخاطبان از فیلم «پلنفرم»، سازندگانش برای ساختن دنباله‌ای از فیلم دندان‌های‌شان را گرد کردند، هرچند این طمع جهت سودآوری بیشتر جواب نداد و به اذعان منتقدان، دیگر نمی‌توان ادامه‌ای برای فیلم «پلنفرم» متصور شد. «پلنفرم ۲» با بهره گرفتن از ایده اصلی فیلم قبلی، حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و به فیلمی تکراری تبدیل شده است. دلیل استقبال مردم از فیلم «پلنفرم» به همان ایده اولیه و بکر آن برمی‌گشت و وقتی سازندگانش بدون خلاقیتی دوباره می‌خواهند روی همان موج سوار شوند، قطعاً نتیجه مثبتی نخواهند گرفت. حالا خبر نگران‌کننده بعدی در مورد دنباله‌سازی به ساختن فصل دوم سریال مشهور «بازی مرکب» برمی‌گردد. پس از موفقیت گسترده فصل اول سریال، تهیه‌کنندگان آن برای ساخت فصل‌های بعدی وسوسه شدند و چند ماه دیگر مشخص می‌شود، این وسوسه نتیجه داده است یا نه. اما چیزی که از گفته‌های سازندگانش به گوش می‌رسد، باید منتظر یک شکست دیگر در دنباله‌سازی فیلم و سریال بود. «بازی مرکب» از همان ابتدا قرار بود به صورت یک مینی‌سریال ساخته شود و عوامالش هیچ طرحی جهت ادامه دادن آن نداشتند اما استقبال جهانی از این سریال دیستوپایی، سازندگان را ناچار به ساخت دنباله آن کرد. این همان معنی استفاده از ایده اولیه و مانور دادن روی همان داستان را می‌دهد. فصل اول «بازی مرکب» به خاطر داستان هیجان‌انگیز و خلاقانه‌اش مورد توجه قرار گرفت و تکرار همان ایده، خطر شکست را متوجه این سریال محبوب می‌کند. از آن بدتر اینکه هوانگ دونگ-هیوک، سازنده سریال برای تهیهچ مخاطبان سریال گفته که تعداد شخصیت‌ها و بازی‌ها بیشتر از فصل اول می‌شود. این یعنی کارگردان سریال با بلوغ کردن فضا به دور از ایده‌های خلاقانه، دنبال فکر تازه‌ای نمی‌گردد و همین شکست سریال در فصل دوم را محتمل می‌کند.

نکته عجیب‌تر درباره سریال اینکه در حالی که کره‌ای‌ها به فکر ساختن فصل‌های دوم و سوم سریال هستند، تفلیکس به دنبال ساختن نسخه انگلیسی آن به کارگردانی دویید فیچر است؛ خبری که هنوز به طور کامل تأیید نشده ولی اگر به مرحله اجرا برسد، عواقب خوبی برای سریال «بازی مرکب» نخواهد داشت. سریالی که تا این حد جلوی چشم مخاطب باشد، در نهایت دل را خواهد زد.